

# متفکران بزرگ

آلن دوباتن

سیده معصومه موسوی - معصومه مظلومی ایبانه

از مجموعه‌ی  
مدرسه‌ی  
زندگی

## فهرست

۹	بخش اول . مقدمه
۱۵	بخش دوم . فلسفه
۱۳۹	بخش سوم . نظریه‌ی سیاسی
۲۳۱	بخش چهارم . فلسفه‌ی شرق
۲۶۹	بخش پنجم . جامعه‌شناسی
۳۳۷	بخش ششم . روان‌درمانی
۳۹۵	بخش هفتم . هنر و معماری
۵۱۱	بخش هشتم . ادبیات

آن، دو هزار و چهارصد سال پیش. جغرافیایی متراکم: حدود ۲۵۰ هزار نفر اینجا زندگی می‌کنند. گرمابه‌ها، تماشاخانه‌ها، معابد، بازارهای سرپوشیده و ورزشگاه‌های بسیار وجود دارد. هنر و همچنین علم در حال شکوفایی است. می‌توانید ماهی خوبی از بندرگاه پیرائوس بگیرید. بیش از نیمی از سال هوا گرم است. اینجا همچنین خانه‌ی نخستین - و احتمالاً بزرگترین - فیلسوف راستین است: افلاطون.

افلاطون که زاده‌ی یک خانواده‌ی سرشناس و متمول شهری بود، زندگی‌اش را وقف یک هدف کرد: کمک به انسان‌ها برای رسیدن به وضعی که *eúδαιμονία* یا «*آتودایمونیا*» نامید.

ترجمه‌ی این کلمه‌ی عجیب اما جذاب، کمی دشوار است. این کلمه اغلب به معنای «سعادت»<sup>۱</sup> است اما در واقع به «فعلیت»<sup>۲</sup> نزدیک‌تر است، چون «سعادت» بر شادی مستمر دلالت دارد - در حالی که «فعلیت» با ادوار اندوه و رنج کشیدن‌های بزرگ - که به نظر می‌رسد جزئی اجتناب‌ناپذیر از یک زندگی حتی خوب است - سازگارتر است.

اما افلاطون چطور می‌خواست انسان‌ها را به فعلیت بیشتر برساند؟ چهار ایده‌ی محوری در کار او برجسته‌اند.

## ۱. سخت‌تر بیندیش

افلاطون مدعی بود که زندگی‌های ما اغلب موارد به این دلیل با مشکل مواجه می‌شود که به خود فرصت کافی برای اندیشه‌ی دقیق و منطقی درباره‌ی

---

1. Happiness

2. Fulfilment

طرح‌هایمان نمی‌دهیم. و در نتیجه به دام ارزش‌ها، مسیرها و روابط غلط می‌افتیم. افلاطون می‌خواست نظم و وضوح را به اذهان ما برگرداند. او می‌دید که چه بخش اعظمی از ایده‌های ما از آنچه توده فکر می‌کنند آمده است، از آنچه یونانیان «دوکسا» می‌نامیدند و ما «فهم عرفی» می‌نامیم. و با وجود این، افلاطون به کرات در طول ۳۶ کتابی که نوشت، نشان داد که این فهم عرفی گرفتار خطاها، پیش‌داوری و خرافه است. ایده‌های عرفی درباره‌ی عشق، شهرت، پول یا خیر به سادگی در برابر عقل تاب نمی‌آورند. افلاطون این را هم در نظر داشت که مردم چقدر به خود می‌بالند که گزینه یا شورمندی‌هایشان آن‌ها را هدایت می‌کند (یعنی پریدن به دامن تصمیمات صرفاً بر پایه‌ی «آنچه احساس می‌کنند»). او این وضع را شبیه این



لئون کلنز، آکروپولیس، ۱۸۴۶

می‌دانست که اختیار خود را به دسته‌ای اسپ چشم بسته‌ی وحشی بسپاریم. با اینکه فروید به اذعان آن به خود می‌بالید، افلاطون بود که مبدع درمان<sup>۱</sup> بود. مُصر بر اینکه یاد بگیریم همه‌ی افکار و احساساتمان را به عقل واگذار کنیم. همان طور که افلاطون به کرات نوشت، ذات فلسفه به این فرمان ختم می‌شود: *ἑνωθι σεαυτόν* - «خود را بشناس».

## ۲. حکیمانه‌تر عشق بورز

افلاطون یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان درباره‌ی روابط است. کتاب او، *ضیافت*<sup>۲</sup>، تلاشی برای توضیح چستی حقیقی عشق است. کتاب داستان یک مهمانی شام را روایت می‌کند که به وسیله‌ی آگاثون<sup>۳</sup>، یک شاعر زیبارو ترتیب داده شده است، که گروهی از دوستانش را به صرف خوردن، نوشیدن و گفت و گو درباره‌ی عشق دعوت می‌کند.

مهمانان هر کدام نگرش‌های مختلفی درباره‌ی چستی عشق دارند. افلاطون مفیدترین و جذاب‌ترین تئوری را به دوست دیرینه‌اش سقراط - یکی از شخصیت‌های اصلی در این کتاب و در تمام کتاب‌هایش - واگذار می‌کند. این تئوری از این قرار است: زمانی که عاشق می‌شوی، آنچه در واقع رخ می‌دهد این است که تو در دیگری ویژگی‌های خوبی را یافته‌ای که خودت فاقد آن‌ها بوده‌ای. احتمالاً این معشوق‌ها کسانی هستند که زمانی که شما سراسیمه‌اید، آرام‌اند؛ یا وقتی آشفته‌اید، خویشتن دارند؛ یا زمانی که شما گنگ و خاموشید، آن‌ها سخنورند.

1. Therapy

2. Symposium

3. Agathon